

متن پرسش

سلام علیکم: چرا ما برای امام حسین(ع) گریه و عزاداری می کنیم؟

متن پاسخ

با اسمه تعالی: سلام علیکم: قبلًا بحثی در این مورد شده است که عیناً خدمتتان ارسال می شود.

**بسم الله الرحمن الرحيم:**

قال الحسين (ع) : أَنَا قَتِيلُ الْعَبْرَةِ لَا يَذْكُرُنِي مُؤْمِنٌ إِلَّا اسْتَعْبَرَ [۱] من کشتهم برای اشک، مؤمن یادم نکند جز آنکه گریهاش گیرد

اشکی که در شیعه هست با ناراحتی های عاطفی و احساساتی فرق اساسی دارد، اشک برای حسین(ع) عامل رابطه انسان است با مقاصد قدسی و لذا نه تنها شادی و نشاط را از شیعیان نمی گیرد، بلکه شادی و نشاط در زندگی شیعیان موج می زند. ولی نباید آن را با لذتگرایی یکی گرفت، زیرا تفاوت زیادی است بین آن شادی که با پرهیزکاری همراه است و روح معنوی دارد با آنچه امروز در غرب هست که لذتگرایی در آن مقصد و معبدود شده است. در شیعه، شور زندگی با یادآوری غم غربت نسبت به عالم قدس همراه است و با فرهنگ مرگ آگاهی راه خود را از قهقهه های اهل غفلت جدا کرده و سعی دارد خود را در فرج حضور با حق حفظ کند و اشک بر حسین(ع) نوعی طلب آن فرج است و آن هایی که غم غربت در این دنیا را می شناسند می فهمند حزن مقدس چه حلاوتی دارد و مواطن گرفتار لذتگرایی و خوشگذرانی اهل دنیا نشوند و از ارتباط با حقایق وجودی عالم محروم گردند.

### شیعه و غم و شادی و اشک

در زندگی شیعه شادی و طرب موج می زند، اما نباید آن را با لذتگرایی یکی گرفت، تفاوت زیادی است میان آن شادی که با پرهیزکاری همراه است و ویژگی معنوی دارد و آنچه امروز در فرهنگ غرب هست که در آن لذتگرایی مقصد و معبدود شده است.

در شیعه شور زندگی یا فرج، با یادآوری نوعی غم غربت نسبت به وطن معنوی، همراه است، که

موجب حزن می‌گردد. این حالت از جمله حالاتی است که در اشعار عرفانی ما هویدا است و معلوم است که این حزن با ناراحتی عاطفی فرق بسیار دارد.

از آن‌جا که ما مرگ را در پیش داریم ناممکن است چون غافلان از غیب و قیامت از زندگی لذت مستانه ببریم، ولذا فرهنگ شیعه در این «مرگ‌آگاهی» راه خود را از قهقهه‌های مستانه‌ی اهل غفلت جدا کرده است و با حزن معنوی در فرج حضور است و متوجه است که ما در مقام موجوداتی معنوی با این عالم بیگانه‌ایم و یک نحوه باطن‌گرایی را دائماً مذ نظر داریم.

آن‌هایی که غم غربت را می‌شناسند در دل حزن مقدس، فرح و حلاوتی می‌یابند که قابل مقایسه با شادی‌های اهل دنیا نمی‌باشد.

دیدگاه شیعه با پیروی از ائمه «علیهم السلام» این نکته را دائماً مذ نظر دارد که این جهان ناقص‌تر از آن است که بتوان با نور حقیقت به طور کامل ارتباط پیدا کرد.

اگر این غم مقدس نبود عناصر شادی‌بخش افراطی بر زندگی تشیع غالب می‌شد و به مردمی تبدیل می‌شدند که بیشتر لذت‌گرا و خوش گذرانند.

حزن شیعه نیز به جهت احساس غم غربت یا حزن معنوی او است که خود را و بقیه را در این غم شریک می‌بیند و اگر این حزن معنوی نبود، خیلی زود فرح، شکل شادی بی‌محتوا به خود می‌گرفت و گرفتار لذت‌جویی حسی می‌شد.

### جایگاه عزاداری برای امام حسین «علیه السلام»

۱- عزادران امام حسین «علیه السلام» با حضور در مراسم عزای آن حضرت، در واقع خویشتن را مصیبت‌زده و داغدار حادثه‌ی عاشورا می‌یابند، گریه سر می‌دهند و بی‌تاب می‌شوند.

۲- در اشک برای حسین «علیه السلام» آرامشی ویژه و لذتی خاص هست متفاوت با غمها و اشک‌های زندگی روزمره، غم معنویت، غم سوختن برای مظلوم، غمی است منشأ حرکت، و پویایی اجتماعی افراد را افزایش می‌دهد و به قلب و روح انسان نشاط همدلی با مظلوم را پدید می‌آورد و لذا از تکرار این غم و اشک ملول نمی‌شود.

۳- مهر و محبت به امام معصوم در ژرفای احساسات و عواطف شیعیان آن حضرت جای دارد و با تلاش شیعیان این پیوند عمیق عاطفی هرسال تکرار می‌شود، آن‌هم تلاش برای پیوندی عمیقتر. ولذا رسول خدا «صلواة الله عليه و آله» فرمودند: «إِنَّ لِقْتَلِ الْحُسَيْنِ حَرَاءَةً فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ لَا تَنْبُدُ أَبَدًا» [۲] برای شهادت حسین «علیه السلام» در قلوب مؤمنین حرارتی است که هرگز خاموش و سرد نمی‌شود.

۴- با توجهِ عاطفی به حضرت امام حسین «علیه السلام» سایر ابعاد شخصیت امام و اسلام مذکور قرار می‌گیرد تا علاوه بر نظر به آزادگی و ظلم‌ستیزی و ایثار و حقیقت‌جویی که غذای جان انسان است، به مقام امامت نیز نظر شود و آن دری می‌شود برای فهم معارف اسلامی از طریق روایات آن بزرگان، و فربه‌شدن در فضائلی چون صبر و حلم که زمینه‌ی نزدیکی به امامان معصوم می‌گردد و مرز تولی و تبری که عامل نجات جامعه‌ی اسلامی است شکل می‌گیرد و معنویت به عنوان یک ارزش جا باز می‌کند.

۵- گریه بر امام حسین «علیه السلام» از نوع گریه‌های نیمه‌شب اولیاء‌الله است که حسین «علیه السلام» توانست آن را برای عموم مردم عملی کند و خود آن حضرت به خوبی متوجه بودند که صحنه‌ی کربلا عامل چنین گریه‌هایی باید باشد تا زمینه‌ی اُنس قلب با حقایق فراهم شود و حجاب‌ها بین عبد و معبد رفع گردد. چرا که هرگز ناظر آن اندازه زیبایی وفاداری بین حسین «علیه السلام» و ابوالفضل عباس یا بین امام حسین «علیه السلام» و حزب شود، از عمق فطرت گریه سر می‌دهد تا از اتصال به این زیبایی‌ها محروم نباشد و موجب پایداری بر عهد خود با حقیقت می‌شود و پیوندی جاودانه را که بین جان انسان است با دل اولیاء‌الله به صحنه می‌آورد.

بنا به فرمایش امام خمینی «رضوان‌الله‌علیه»: «هر مکتبی تا پایش سینه‌زن نباشد، تا پایش گریه‌کن نباشد، حفظ نمی‌شود. گریه‌کردن بر عزای امام حسین «علیه السلام»، زنده نگهداشت نهضت و زنده نگهداشت همین معنی است که یک جمعیت کمی در مقابل یک امپراتوری بزرگ ایستاد... آن‌ها از همین گریه‌ها می‌ترسند. برای این‌که این گریه‌ای است که گریه بر مظلوم است، فریاد مقابل ظالم است.».

با لباس سیاه به تن کردن و سینه و گریه جمعی نهایت تعلق خاطر را نشان می‌دهد که تا چه اندازه به آرمان‌های شخص مظلوم وفادار است و نیز کودکان این جامعه را متوجه چنین تعلق خاطری می‌کند و با نمادهای کربلا و عاشورا آشنا می‌نماید.

رسول خدا(ص) فرمودند: «كُلُّ عَيْنٍ بَاكِيَةٌ يَوْمَ الْقِيَامَةِ - إِلَّا عَيْنُ بَكَثُ عَلَى مُصَابِ الْحُسَيْنِ»<sup>[۳]</sup> هر چشمی فردای قیامت گریان است غیر از چشمی که در مصیبت حسین «علیه السلام» گریه کند.

روایت فوق خبر از عمق تأثیر اشک بر امام حسین «علیه السلام» در عمیق‌ترین ابعاد انسان می‌دهد که در قیامت ظاهر می‌شود.

آن‌کس که عاطفه‌ی خود را درست مدیریت کند و بخواهد بهترین مصدق را جهت تغذیه‌ی عواطف بیابد، می‌پذیرد اشک برای ابا عبدالله «علیه السلام» موجب صیقل قلوب و گشادگی روح می‌شود و عامل رشد ایمان و حفظ آن از یک طرف، و دوری از دنیا و صفات رذیله از طرف دیگر می‌شود.

اشک برای حسین «علیه السلام» نمونه‌ی به فعلیت رسیدن ایمان است، زیرا ایمانی که به پاک‌کردن قلب و زلال ساختن دل و دگرگونی آن منتهی نشود، ایمان فعلیت یافته نیست و نمی‌توان به وسیله‌ی آن، انس با خدا را از یک طرف، و ایثار و فدای کاری و جهاد از طرف دیگر به دست آورد.

اشک برای حسین «علیه السلام» موجب احیاء قلوب و آزادی عقل از اسارت هوس‌ها و غفلت‌ها است و در همین راستا حضرت رضا «علیه السلام» به «دعبدل خزایی» می‌فرمودند: قصیده‌ی خود را در رابطه با شهادت حضرت سید الشهداء «علیه السلام» بخواند و حضرت با تمام وجود اشک می‌ریختند و دو بیت نیز به آن اضافه نمودند.

«والسلام»

---

١ - أمالی الصدق ص ١٣٧ المجلس الثامن والعشرون

٢ - مستدرکالوسائل، ج ١٥، ص ٣١٨

٣ - بحار الأنوار، ج ٤٤، ص ٢٩٣